

دریاچه فرتو: آبی کم عمق

اما سرشار از حیات

فرانس بکت

از هر سوی گذرگاهی که پوشیده از چمن و مشرف بر آبی وسیع بود، دسته‌ای از پرندگان پابلند - یک حواصیل سفید، چند حواصیل خاکستری، دو حواصیل ارغوانی - درحالی که پاهای بلندشان از زیرشکم آویزان بود، آهسته به پرواز درآمدند. در پیش رو، نیزار انبوهی که با باد در تعارض بود، پرده‌ای ضخیم برابر افق می‌کشید. یک قایق در ساحل کوچک آبراهه‌ای توقف کرد. آنچه شگفت‌آور بود این بود که قایق دارای موتور بنزینی و متعلق به یک ماهیگیر بود. شگفت از این رو، که ما در ساحل دریاچه فرتو (Fertö) در مجارستان بودیم، جایی که زیستکره حفاظت شده یونسکو و یک پارک ملی است، و ورود همه قایقها، به استثنای آنهایی که موتور برقی داشتند، ممنوع بود. اما این ماهیگیر بخصوص، مرد سالخورده‌ای بود که تنها در تابستانها ماهی می‌گرفت و به او از سبب ترجم اجازة داده شده بود که از همان روش سنتی ناکارآمد استفاده کند، چرا که اگر او را ناگهان از این سرگرمی محروم می‌کردند، ممکن بود از غصه بمیرد.

دریاچه، زیر نیزارها پنهان شده بود. برای داشتن دید خوبی از دریاچه، مجبور شدیم از یک برج دیدبانی، به ارتفاع ۱۶ متر، که از بقایای پرده آهنینی بود که در سال ۱۹۹۰ برانداخته شد، بالا رویم. این مرز هولناک دنیای کمونیسیم و غرب که جان هزاران نفر را گرفته بود، در اینجا، از دو نرده متصل به برق تشکیل می‌شد که قطعه زمینی به عرض ۲ تا ۵ کیلومتر را محصور می‌کرد. اما آنچه آتیلا فرش (Fersh)، متخصص مجارستانی جنگل، به من گفت این بود که: «بی‌صاحب بودن این زمین، برای حیات وحش نعمتی بود و باعث رشد آن شد». امروزه، پروژه‌های فرودگاه، زمین گلف و مراکز تفریح فراوانی وجود دارد که همیشه با حفظ طبیعت همخوانی ندارد. دریاچه، برای گذراندن تعطیلات، جای پر جاذبه‌ای است.

بهشت پرندشناسها

این دریاچه شگفت، دارای دو ملیت است. چهارپنجم آن در شمال به نام The Neusiedler See، متعلق به اتریش و یک‌پنجم آن در جنوب، به نام Fertö To، از آن مجارستان است. درازای آن ۲۵ کیلومتر، پهنای آن ۷ تا ۱۵ کیلومتر و میانگین ژرفای آن، ۶۰ سانتیمتر است. هیچ جای آن از ۱/۸۰ متر گودتر نیست و تنها از دو رودخانه کوچک و آب باران مشروب می‌شود. آب آن دارای نمک معدنی فراوان و روشنایی رنگارنگی است که در کرانه‌ها به علت تجزیه گیاهان دریایی به رنگ قهوه تیره می‌نماید. دریاچه فرتو، در اواخر عصر یخبندان به وجود آمد. رومیها، آنرا *Lacus pelso* می‌خواندند و در سده نخست میلادی پلینی مهنین، دریافته بود که دریاچه هزارگاه خشک می‌شود - این اتفاق آخرین بار در سال ۱۸۶۵ رخ داد.

خشکی‌های اطراف دریاچه، مجموعه‌ای است از جنگلهای مسطح شده، مراتع و شبکه‌ای از کانالهای انتقال آب به طول حدوداً ۲۵۰ کیلومتر، از کانالها، هنگام لزوم، برای آبیاری زمینها و ارتباط با دریاچه استفاده می‌شود. بدون آنها، دست کم در بخش مجارستان، عبور از میان نیزارها که کمربندی به عرض ۵ یا ۶ کیلومتر تشکیل می‌دهند، غیرممکن است. پارک یاد شده، در سال ۱۹۸۹، منطقه «کنوانسیون رامسر»،^۳ اعلام شد. نیزارها، حوضهای گلی و آب غیرمنجمد آن، برای پرندگان حکم بهشت را دارد. تاکنون، ۲۶۰ گونه به ثبت رسیده است. در اینجا، شمار فراوانی ماهیخوار سفید، حواصیل، غاز و مرغابی شانه به سر، لانه می‌گذارند و توقفگاه بین رامی هزاران غاز، لک‌لک و شاهین مهاجر است. در این دریاچه، ۲۶ گونه ماهی زندگی می‌کنند. قورباغه، وزغ، خزندگان و حشرات در حد وفور یافت می‌شوند. ۱/۵۱۲ گونه ثبت شده گیاهی وجود دارد که برخی از آنها منحصرأ در خاک قلیایی می‌رویند، مانند گل ستاره کوچک (*Aster tripolium*)، که زمین را با فرش ارغوانی روشن می‌پوشاند.

این پارک ۵ کارکرد دارد: حفاظت از طبیعت، مدیریت زمین، پژوهش، آموزش زیست-محیطی و بوم گردشگری (ecotourism). با این احوال، مدیران آن برای حل مسائل مالی، مشکلات فراوانی دارند. در اثر کاهش هزینه‌های عمومی، پژوهشگران دیگر نمی‌توانند به کمک دولت مستکی باشند و مجبورند منابع



این برج دیدبانی، که از آثار پرده آهنین است، اکنون برای مراقبت از پرندگان به کار می‌رود.



و سیمان، با بامی پوشیده از نی و تسهیلاتی برای اقامت و مطالعه. طرح آن که توسط دو معمار مجارستانی تهیه شده، مُلهم از نقش روی پر ماهیخوار سفیدی است که زیر میکروسکپ مشاهده شود. عکسهایی از زندگی گیاهی و حیوانی اندوختگاه، در گالری‌ها به نمایش گذاشته شده است. مدارس و گروه‌هایی از معماران برای گذراندن دوره‌های آموزشی به این مرکز می‌آیند.

چند کیلومتر دورتر، آتريشي‌ها اخيراً يك محل پذيرایی در ساحل ساخته‌اند که دارای یک برج بلند دیده‌بانی است. اینجا، زیستکرة حفاظت شده به Neusiedler See-Seewinkle معروف است. برخلاف آنچه ما در دیدار خود از اندوختگاه واقع در مرز میان اریزونا (ایالات متحد آمریکا) و مکزیک دیدیم (به پیام یونسکو، شماره ۲۱۶، فرهنگ و توسعه نگاه کنید)، اینجا کمتر نشانه‌ای از مرز، میان دو کشور صاحب دریاچه، مشاهده کردیم.

مدیریت مشترک

نمایندگان مجاری و آتريشي در کمیته مدیریت، همه ماهه، جلسه تشکیل داده با

پوشش روی بامها به کار می‌رود، به شرکت‌های خصوصی داده می‌شود. نیزارها، پرندگان را به سوی خود جلب می‌کنند، برخی از پرندگان، شاخه‌های نورسته و گروه دیگر گیاهان قدیمیتر را ترجیح می‌دهند.

مسئله شکار غیرقانونی در این جایگاه طبیعی نگاهداری پرندگان، ظاهراً مشکلی به شمار نمی‌رود، زیرا آتیلا به ما گفت «شکار در اینجا یک سنت رایج نیست. ما برای قطعات موردحفاظت: ناحیه مرکزی با مساحت ۲/۳۰۰ هکتار، ناحیه حفاظتی (سپر) با همین مساحت و ناحیه انتقالی به وسعت ۵/۴۹۲ هکتار، تنها دو نفر نگهبان داریم».

مرکز پذیرایی از دیدارکنندگان و پژوهشگران در اندوختگاه فرتو، ساختمان فوق‌العاده زیبایی است از چوب

دیگری را جستجو کنند. با این وجود، وزارت کشاورزی برای جلوگیری از انقراض ۳ گونه از حیوانات خانگی، به این منطقه حفاظت شده، کمک مالی می‌کند. این حیوانات عبارت‌اند از: گاو میش آسیایی، گاو خاکستری مجارستانی - که تعداد آن از ۲۸۲ رأس به ۲۵۰۰ رأس افزایش یافته - و گوسفند راکا (Racka). اندوختگاه مذکور، برای رسیدگی به چمن‌ها، مردانی را از روستاهای مجاور به استخدام گرفته تا آنها را کوتاه کنند و با چریدن گاوها چمن‌ها کوتاهتر نیز می‌شوند. علف کوتاه، برای پستاندار کوچکی مانند سوسلیک (*Citellus citellus*)، سنجاب نقب‌کن، که وجود شاهین سیکر (*Falco cherrug*) کمیاب، به آن وابسته است، ضروری است. از دسامبر تا فوریه، اجازه چیدن نی‌ها (*Phragmites australis*)، که برای

سرخس نادر، در باتلاهای دریاچه فرتو.



شاهین ساکر (*Falco cherrug*) که بسیار کمیاب است.





راست.
گل ستاره‌ای کوچک
(*Aster tripolium*)
که تنها در خاکهای
قلیایی می‌روید.



چپ. اگرت بزرگ یا
حواصیل سفید
(*Egretta alba*)
یکی از دیدارکنندگان
بی‌شمار دریاچه فرتو.

کمتری دارد، ساده‌تر و آب آن پاکیزه‌تر است، و این به خاطر لوله‌کشی‌های فاضلاب زیادی است که در این قسمت وجود دارد. از آنجا که زمینهای اطراف دریاچه مسطح است، پس‌مانده آفت‌کش‌ها، به دریاچه راه نمی‌یابد. نگیبانی وجود ندارد. راهنمایان، دیدارکنندگان را همراهی می‌کنند. گردشگران، تنها در روزهای غیر از یکشنبه اجازه دارند وارد پارک شوند و روی راههای آسفالتی که برای راهپیمایی ساخته شده مسافتهای زیادی را طی کنند. خبرنگارهای، به صورت فصلنامه، به نام *Geshnatter* «قار و قار» توسط الویس لنگ در ۶۰۰۰ نسخه چاپ و میان مردم حومه دریاچه توزیع می‌شود. این نشریه، اطلاعات خوبی در مورد طبیعت و زندگی محلی دارد.

در یکی از راهها، با منظره شگفتی رو به رو شدیم. مردی را دیدیم که در اتومبیل خود نشسته و تفنگ خود را به طرف آسمان نشانه رفته بود. الویس لنگ، توضیح داد که «اینجا، تا سال ۱۹۹۹، که قرارداد بسته شده پیش از ایجاد اندوختگاه منقusi می‌کرد، شکار مجاز است، اما تنها برای افراد محلی دارای پروانه شکار». هنگامی که آتیلا فرش، این مطلب را شنید خنده بلندی سر داد و گفت «غازها محق نیستند، آنها می‌دانند که در بخش مجارستان خطری آنها را تهدید نمی‌کند» تنها یک نشان، این دو پارک حفاظت شده را با هم متحد می‌کند: دو غاز قرمز در برابر یک غاز سبز، روی زمینه‌ای سفید، نمادی برای پرچمهای اتریش و مجارستان، که با عزمی مشترک برای حفظ حیات وحش منطقه همراه است. ■

* Ramsar Convention، در سال ۱۹۷۱، در مورد تالابهای مهم جهانی بویژه از نظر اینکه زیستگاه مرغان آبی هستند، در رامسر (ایران) به تصویب رسید.

امتداد Neusiedler و سومی در لنگ لیک واقع شده که ناحیه‌ای مردابی با مجموع مساحتی برابر ۷۶۰۰ هکتار و به سوی جنوب غربی امتداد یافته است. در اطراف دریاچه، صنایعی وجود ندارد اما کشاورزی و کشت انگور کاملاً رایج است. در تابستان، هزاران نفر از کسانی که تعطیلات خود را می‌گذرانند و به ماهیگیری و ورزشهای آبی (غیرموتوری!)، علاقه دارند از دهکده‌های سبلج دریاچه دیدن می‌کنند. دسترسی به دریاچه از بخش اتریشی آن، که نیز از

هم همکاری می‌کنند. الویس لنگ (Aloys Lang)، که مسئول ارتباطات است برای ما توضیح داد که مشکلات گوناگونی وجود دارد. وی گفت «همه زمینها خصوصی است و ما مجبوریم آنها را از ۱۲۰۰ مالک اجاره کنیم و براساس برآورد درآمدی که ممکن بود از کشاورزی عاید این زمینها شود، به آنها پول پرداخت کنیم که این خود سالیانه بالغ بر ۲۸ میلیون شیلینگ می‌شود»
بخش اتریشی زیستکره حفاظت شده، متشکل از ۳ ناحیه است، که ۲ ناحیه آن در

ابتکارها تدابیر نجات بخش مرکز رگ (REC)

هنگامی که بلغارستان برای حفاظت از خرسها مشکلاتی داشته باشد، وقتی لهستانی‌ها سرگرم توسعه بوم گردشگری هستند، زمانی که چکها بخواهند در موراویا، مسیری برای چرخه طبیعی ایجاد کنند و رومانها سعی در مشارکت دادن مردم در قانونگذاری برای محیط زیست داشته باشند، برای گرفتن کمک، به مرکز زیست محیطی منطقه‌ای اروپایی مرکزی و شرقی (REC) روی می‌آورند. این مرکز که در سال ۱۹۹۰، توسط ایالات متحد آمریکا، جامعه اروپا و لهستان تأسیس شد، در آغاز، فعالیتهای خود را تنها به مجارستان معطوف می‌داشت، اما در سال ۱۹۹۵ به یک بنیاد بین‌المللی برای کمک به دیگر کشورهای اروپایی شرقی جهت مشارکت در تصمیم‌گیریهای زیست محیطی مبدل گشت. کشورهای تری‌ریط عبارت‌اند از ایتالیایی، بلغارستان، گروت، استونی، مجارستان، لاتویا، لیتوانی، لهستان، جمهوری چک، رومانی، اسلواکی، اسلونی، جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق، جمهوری فدرال یوگسلاوی و بوسنی و هرزگوین.

«رگ» هزینه پروژه‌های بزرگ را نمی‌پردازد، اما کمکهایی را که در غرب جمع‌آوری می‌شود، در اختیار شمار زیادی از پروژه‌های معرفی شده توسط سازمانهای غیردولتی معتبر، قرار می‌دهد. برنامه‌های این مرکز، مبادله تجارب و ارتقای همکاری منطقه‌ای را، مثلاً، در مورد محافظت از دانوب، که از ۸ کشور می‌گذرد، تشویق می‌کند. سمیناری که توسط «رگ» درباره این موضوع تشکیل شد، مقامات کشورهای مسیر رودخانه دانوب را قادر ساخت که با هم ملاقات و همکاری کنند که در برخی موارد این همکاریها تازگی داشت.

مرکز یاد شده، با سازمانهای غیردولتی درگیر در کارهای میدانی، مقامات محلی، دولتها، مؤسسات آکادمیک، رسانه‌ها و بخش خصوصی همکاری می‌کند.
«رگ» اخیراً به ساختمان جدیدی در حومه بوداپست نقل مکان کرده که دارای یک کتابخانه و سیستم مبادله اطلاعات الکترونیکی پیچیده‌ای است. این مرکز طیف گسترده‌ای از دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند که در آنها نه تنها ۱۵ کشور ذی‌نفع، بلکه کشورهایی نظیر ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، قزاقستان، مولداوی، روسیه و اکراین نیز شرکت می‌کنند. این دوره‌ها ضمن انتشار اطلاعات، با گردآوری مردم سراسر منطقه کنار هم، همکاری شرق - شرقی را تحکیم می‌بخشد. ■

REC, Ady Endre ut. 9-11, 2000 Szentendre, Hungary.
Tel: (36 26) 311 199; Fax: (36 26) 311 294